



علماء و بیداری اسلامی

مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی علمای امت و بیداری اسلامی

جلد اول

نهم و دهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۲

دبیرخانه دائمی اجلاس بیداری اسلامی
ایران - تهران

سرشناسه: اجلاس جهانی علمای امت و بیداری اسلامی(نخستین؛ ۱۳۹۲؛ تهران)

عنوان و نام پدیدآور: علماء و بیداری اسلامی؛ مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی علمای امت و بیداری اسلامی نهم و دهم اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ ایران – تهران/[برگزار کننده] دیرخانه دائمی اجلاس بیداری اسلامی؛ به کوشش کمیته علمی اجلاس جهانی علمای امت و بیداری اسلامی؛ گروه مترجمین علی گنجیان خناری ... و [دیگران].

مشخصات نشر: تهران، انجمن پیشکسوتان سیاس، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۴۸۲ ص.

شابک: ۱-۰۶-۶۰۰-۶۹۵۹

قیمت: ۱۲۰,۰۰۰ ریال

وضعیت فهرستنويسي: فیبا

داداشهت: گروه مترجمین علی گنجیان خناری، حمیدرضا حیدری، صادق عیدانی، اویکر

محمدی، مهدی طاهری، عبدالله البوغیش

موضوع: جنبش‌های اسلامی، کنگره‌ها

موضوع: بیداری اسلامی ۲۰۱۰ م – کنگره‌ها

شناسه افزوده: گنجیان خناری، علی ۱۳۴۷، مترجم

شناسه افزوده: انجمن پیشکسوتان سیاس

شناسه افزوده: اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی، دیرخانه

شناسه افزوده: اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی، کمیته علمی

ردیبندی کنگره: BP۲۲۲ ۱۳۹۲

ردیبندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۳۳۵۷۲



ریاضت مسلمان
دین اسلام
لهم سلام برگزیر

بسم الله الرحمن الرحيم

لوح سپاس

جناب آقای دکتر عباسعلی سلطانی

بیداری اسلامی یکی از پدیده‌های نو-ظهور، حیات بخش و تأثیرگذار است که پس از تحولات بین المللی در قرن بیستم شروع گردیده و با وقوع انقلاب اسلامی در ایران بر شدت حرکت آن در سطح منطقه افزوده شده و تأثیراتی را در تحولات منطقه خاورمیانه به ارمغان داشته و از سوی دیگر روح اعتماد به نفس و خودبادی را در بین مسلمانان افزایش داده و در مدت کوتاهی دستاوردهای درخشانی را برای امت اسلامی ایجاد نموده است؛ نتیجه چنین تحولاتی تغییر معادله قدرت در سطح منطقه و نظام بین الملل به نفع جهان اسلام خواهد بود که در آینده ای نزدیک تأثیرات آن نمایان خواهد شد.

در راستای ترویج گفتمان بیداری اسلامی و تبیین نقش آفرینی علمای امت، طرح فراخوان مقالات اجلاس علمای امت و بیداری اسلامی پس از انتشار با استقبال کم نظیر فرهیختگان، اندیشمندان و پژوهشگران داخل و خارج از کشور مواجه گردید و مقالات و اصله توسط هیات داوران مورد ارزیابی قرار گرفت و در نهایت مقاله جنابعالی با عنوان: بررسی چالش‌های مشترک موجود در جریان‌های بیدارگرایانه از بین مقالات ارزیابی شده به عنوان مقاله منتخب برگزیده و به سه زبان بین المللی جهت استفاده سایر فرهیختگان در مجموعه مقالات برگزیده انتشار یافت. بر خود لازم میدانیم از تلاش ارزشمند و ماندگار شما تشکر و به پاس تلاش مجده شما لوح سپاس به همراه سه مجلد مقالات (دو جلد مقالات برگزیده و یک جلد چکیده مقالات) به حضورتان ارسال می‌گردد. توفیقات روز افزون جناب عالی را از درگاه ایزد متعال در سایه سار ولایت مقام عظامی رهبری (مدظله) خواستاریم.

دکتر عبدالله مبینی

دییر کمیته علمی اجلاس جهانی علمای امت و بیداری اسلامی



علماء و بیداری اسلامی

مجموعه مقالات برگزیده اجلاس جهانی علمای امت و بیداری اسلامی

دبير کل مجمع جهانی بیداری اسلامی
دکتر علی اکبر ولايتی

دبير کميته علمي اجلاس
دکتر عبدالله مبيني دهکردي

اعضای کميته علمی اجلاس: آیات عظام و حجج الاسلام، سید هاشم حسینی بوشهری (رئيس کميته علمی اجلاس)، محمد حسن زمانی (دبير کميته علمی اجلاس)، محسن اراکی، علیرضا اعرافی، محسن حیدری، سید حسن ربانی، سید ابراهیم رئيسی، محسن قمی، سید محی الدین قوامی، عباس علی کعبی، احمد مبلغی، محمود محمدی عراقی، مدنی، محمد حسن مهدوی فر، هادوی تهرانی، احمد واعظی، محمد مهدی کاظمی، سلمان کرمیان، اسماعیل همتیان

داوران اجلاس: حجج الاسلام، علی اسلامی، جمال اشرفی، عثمان بامبا، محمد مهدی بهداروند، ناظم حسین اکبر، حیدری، مهدی خزانی، سید محمد ذوق‌القاری، اسماعیل رضوانی فر، حمید طالب، محمد کشاورز، دکتر مسعود اسدالهی، سید مهدی حسینی، دکتر علی حمزه پور، دکتر حسین رجبی دوانی، دکتر نبی الله روحی، دکتر سید محمد رئیس‌زاده، دکتر حسن علی اکبری، دکتر ابراهیم متقی، دکتر منوچهر محمدی، دکتر مصطفی ملکوتیان، دکتر مهدی ناظمی اردکانی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	پیشگفتار
۱۵	بررسی چالش‌های مشترک موجود در بحران‌های بیدارگرایانه اسلامی
۳۷	بیداری اسلامی و راه‌های تداوم آن (با بهره‌گیری از تجربیات انقلاب اسلامی)
۵۹	بیداری اسلامی در منظمه فکری امام موسی صدر
۷۳	امام سید عبدالحسین شرف الدین؛ از پیش‌گامان بیداری و وحدت اسلامی
۹۷	حایگاه مقاومت، بایدگاری و بیداری اسلامی در آیت قرآن کریم
۱۱۳	غیر مسلمانان مدینه در زمان پامبر(ص)
۱۴۹	نقش علماء در فرایند شکل‌گیری و تداوم نهضت‌های بیداری اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) و تجربه انقلاب اسلامی ایران
۱۹۱	نقش علماء در بیان و توحید امت اسلامی
۲۰۷	ارائه الگوی مردم‌سالاری دینی (اسلامی) به جای الگوی دموکراسی غربی
۲۴۹	بیداری اسلامی؛ سرنوشت فلسطین و فرجم صهیونیست‌ها
۲۶۹	تفکر سیاسی اجتماعی سید جمال؛ بیداری اسلامی و آسیب‌ها
۲۸۵	دموکراسی اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره)
۳۰۳	بیداری اسلامی از دیدگاه شهید مطهری
۳۳۳	نقش علماء در بیداری تمدن اسلامی با تکیه بر عناصر دین، عقل، علم و اخلاق
۳۶۵	اهداف بیداری اسلامی از منظر قرآن کریم
۳۹۱	موقع گیری‌های غرب در قبال بیداری اسلامی محصر
۴۰۱	موقع گیری‌های غرب در قبال بیداری اسلامی تونس
۴۰۵	موقع گیری‌های غرب در قبال بیداری اسلامی یمن
۴۱۱	موقع گیری‌های غرب در قبال بیداری اسلامی بحرین
۴۱۷	موقع گیری‌های غرب در قبال بیداری اسلامی سوریه
۴۲۳	نقد و بررسی مبانی معرفت‌شناسختی سکولاریسم
۴۵۳	شهید صدر و چالش‌های فکری و سیاسی جامعه اسلامی

بررسی چالش‌های مشترک موجود در جریان‌های بیدارگرایانه اسلامی

عباسعلی سلطانی^۱

رضا عباسپور^۲

چکیده

اعتقاد به ضرورت رجوع به مبانی دینی و تفسیر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بر پایه قابلیت‌های دین اسلام در کنار جرات اقدام به موقع برای تحقق این اهداف، جنبه ايجابي و مقابله با هرگونه استعمار و سلطه طلبی، جنبه سلبی جريان بيدارگرایانه اسلامی را تشکيل می‌دهد. دشمنان نيز برای مقابله با اين جريان از انواع راهکارها، ابزارها و عوامل مادي و معنوی استفاده می‌کنند تا بتوانند اين حرکت را با چالش موافق كنند يا از تأثيرات آن بکاهند.

اين مقاله سعى دارد، چالش‌های عمومی مشترک میان حرکت‌های بيدارگرایانه اسلامی را در حوزه فرهنگی، مذهبی و سیاسی بيان کرده و آنها را پيش روی متولپان، برای برنامه‌ریزی در راستای رفع موانع حرکت بيداری اسلامی قرار دهد. در پایان مقاله راهکارهایی نیز ارائه شده است.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، چالش‌های مذهبی، فرهنگی و سیاسی

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی گتاباد

مقدمه

بیداری اسلامی در برخی منابع مترادف با "احیای اسلام" است و در برخی منابع آن را بیداری مسلمانان تأویل می‌کنند. (نوری، ۱۳۷۶، ص ۵۸۸) مقصود از احیا یا بیداری توجه به جنبه‌هایی در مکتب است که دچار غفلت یا فراموشی شده‌اند که در نتیجه آن، پوششی از غفلت و فراموشی آن مکتب را دربر می‌گیرد. شخصیت‌هایی که منجی جوامع انسانی‌اند، جنبه‌هایی فراموش شده یک مکتب فکری را احیا کرده و شکلی جدید به آن بخشیده و به جامعه مرده خود روحی تازه عطا می‌بخشنند. (ثقی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۳) در واقع، بیداری اسلامی تحولی است، حاصل دمین "آگاهی" و "اراده" در کالبد انسان و جامعه به منظور حرکت ارادی و آگاهانه در مسیر کمالات فطری خویش و در چارچوب نظام و نظام اسلام نتیجه این حرکت احیا و بازیابی هویت فردی و جمعی است؛ یعنی شناسایی خویشتن مسلمان و بازگشت به هویت جمعی واحد خویش یعنی "امت" (نواب، ۱۳۸۵، ص ۶۳) بیداری اسلامی را می‌توان نوعی باور تعمیم یافته دانست. با تمایز و تفکیک بین جنبش‌های اسلامی و بیداری اسلامی، بیداری اعتقادی مشترک بین همه مسلمانان در سراسر جهان اسلام است. بیداری که جوهره‌ای غیرحکومتی دارد، مقدمه جنبش اسلامی است. همان‌گونه که یک باور منشأ یک رفتار است، بیداری اسلامی نیز موجد حرکت اسلامی است. برخی اسلامی بودن و اسلام‌گرایی را به این معنا می‌باشد که فرد اسلام‌گرا در بیان دیدگاه‌های خود از تعبیر اسلامی استفاده کند. اما مراد از اسلامی بودن بیداری، نشان دادن خاستگاه اصلی این بیداری و مؤثرترین عوامل شکل‌گیری آن و گرایش حاکم بر توده‌های بیدار شده است. (الویری، ۱۳۸۴، ص ۲۱۹) بیداری اسلامی نوعی همپوشانی یا ارتباط مفهومی با مقوله‌هایی مانند اصلاح دینی، احیاگری دینی، اسلام‌گرایی و مانند آن دارد و در زبان عربی معاصر نیز با تعبیر گوناگونی مانند الصحوه الاسلامیه، البغث الاسلامی، الحركه الاسلامیه و اليقظه الاسلامیه یا در پیوند با برخی از این مفاهیم از آن یاد شده است. درباره بیداری اسلامی مانند بسیاری دیگر از مفاهیم جدید تعریفی مورد وفاق وجود ندارد و اصولاً تلاشی برای دست یافتن به چنین تعریفی انجام نگرفته است. (الویری، ۱۳۸۴، ص ۲۱۹) برخی بیداری اسلامی را به معنای خودشناسی، غفلت‌ستیزی، نفی سلطه کافران بر مؤمنان و تأکید بر فرهنگ اسلامی می‌دانند. (محمدی عراقی، ۱۳۸۶، ص ۱۲) و برخی دیگر آن را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که به معنای بازگشت بیداری و هوشیاری امت اسلامی است تا به خودباوری رسیده و به دین، کرامت و

استقلال سیاسی، اقتصادی و فکری خود مباهات کرده و در راستای ایفای نقش طبیعی خود به جهان "بهترین امت" تلاش کند. (القططان، ۱۳۸۴، ص ۳۷۱) عده‌ای نیز آنرا انعکاسی از پایداری و ایستادگی اسلام در برابر جهان‌شمولی و سلطه‌طلبی ایدئولوژی تمدن نوین می‌دانند. به عقیده آنها مهم‌ترین پرسشی که بیداری اسلامی در برابر غرب و مدرنیته مطرح می‌کند، احیای معنویت و بعد غیرمادی انسان در حیات پسر است؛ امری که اندیشه مدرن از آن ضربه خورده است. این یک احیای ضدسکولار در زندگی پسر است. امروز بیداری اسلامی این شعار را در جهان مطرح می‌کند که معنویت تنها امری شخصی نیست و انسان دارای ابعادی مختلف است؛ یعنی معنویت در کنار مادیت (ارشد، ۱۳۸۶، ص ۴) گرچه در تعیین مبدأ و آغاز "بیداری اسلامی" و مراکز نشوونما و تأثیرگذاری افراد مؤثر و زمینه‌های تأثیر و تعدد روش‌ها، تفاوت اهداف، نتایج آن و عکس‌عمل‌های مخالفان در برابر آن اختلاف نظر و تحلیل وجود دارد، اما در این موضوع که این پدیده را عظیم‌ترین و گسترده‌ترین پدیده اجتماعی - سیاسی نیمه دوم قرن بیستم بدانیم، اختلاف‌نظر چندانی وجود ندارد.

(قطب، ۱۳۷۴، ص ۷)

مؤلفه‌های اصلی بیداری اسلامی

مؤلفه‌های اصلی بیداری اسلامی عبارتند از:

۱. اعتقاد به فاصله داشتن جامعه اسلامی از وضع مطلوب و برآزنده جوامع اسلامی؛
۲. اعتقاد به ضرورت رجوع به قرآن و سنت به عنوان بنیانی نو برای زندگی در دنیاً جدید، و توجه یافتن آنها به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های عظیم نهفته در منابع دینی. در نگاه بیدارگران اسلامی رجوع به قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) و بزرگان اسلام به عنوان منابع اولیه تنظیم و تفسیر روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شمرده می‌شوند. (قطب، ۱۳۷۴، ص ۸)
۳. اعتقاد به ضرورت تلاش برای بازیابی هویت ملی، فرهنگی ^{پا} دینی از دست رفته؛
۴. مباهات به گذشته درخشان و تمدنی بزرگ؛
۵. احساس کوتاهی نسبت به انجام وظایف اسلامی و عدم محدود شدن آن به تکالیف فردی. از منظر بیدارگران اسلامی فعالیت دینی فردی برای پر کردن خلاً موجود در واقعیت است اسلامی

- معاصر و برآورده شدن ایدئوواری‌ها کفايت نمی‌کند. بلکه تلاش جمیعی که دین آن را واجب ساخته و واقعیت و حتمیت آن را می‌طلبد ضرورت دارد. (قضايا، ۱۳۸۱، ص ۵۲)
۶. احساس ضرورت برای رسیدن به راه حلی دینی برای ایجاد تعامل و تعادل بین سنت و مدرنیته؛
۷. اعتقاد به ناهمدلی غرب در مواجهه با جهان اسلام و به چالش کشیده شدن سرمایه و ارزش‌های خودی از سوی غرب سلطه‌گر و ضرورت واکنش به آن؛
۸. اعتقاد به ناکارآمدی دستاوردهای تمدن جدید برای رفع مشکلات بشریت و شکست ایدئولوژی‌های وارداتی؛
۹. اعتقاد به ضرورت بازخوانی و بازفهمی متون دینی که از آن می‌توان به عنوان یکی از بایستگی‌های معرفت‌شناسانه بیداری و احیاگری دینی سخن گفت (الویری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۰-۲۲۱)
۱۰. احساس مظلومیت ناشی از تسلط استعمارگرانه کشورهای غربی بر مقدرات جهان اسلام و تلاش در جهت کسب استقلال و نفی وابستگی و سلطه و نفی استثمار؛ (موثقی، ۱۳۷۳، ص ۲۲۴)
۱۱. تمایل به ایفای نقشی واقعی‌تر در معادلات جهانی و یافتن جایگاه خود؛ (قطب، ۱۳۷۴، ص ۸) آغاز قرن بیستم را می‌توان نقطه سرآغاز حرکت "بیداری اسلامی" یا "خیزش اسلامی" دانست. از آن تاریخ تا کنون این حرکت با فراز و نشیب‌های فراوان روبه‌رو بوده و با ضعف‌ها و قوت‌هایی همراه شده است. بنابراین، آسیب‌شناسی درونی مستمر بیداری اسلامی همراه با واقع‌گرایی و اعتدال از ضرورت‌های انکارناپذیر برای رصد این حرکت عظیم اسلامی است. این آسیب‌شناسی باعث ارزیابی نقاط ضعف این حرکت می‌شود و تلنگری برای کسانی است که در این عرصه مسئولیتی خطیر بر عهده دارند. در اینجا مسئولیت خطیر علماء، اندیشمندان، دعوت‌گران و اصلاح‌گران در قبال ایفای به موقع و مقتدرانه نقشی که در رفع این چالش‌ها بر عهده دارند، یاد آوری می‌گردد. حرکت بیداری اسلامی در سیر تطور خود با چالش‌های متنوع روبه‌رو بوده است. این چالش‌ها، چالش‌هایی مشترک‌اند که حرکت بیداری اسلامی در اکثر جوامع اسلامی با آن مواجه است. از آنجا که این موانع و چالش‌ها به نوعی چالش‌های بنیادی و اساسی‌اند، ضرورت توجه و رفع آنها برای ثمردهی حرکت بیداری اسلامی لازم است.
- چالش‌های عمومی فرایند بیداری اسلامی در سه حوزه قابل بررسی است.

الف) چالش‌های فرهنگی

فرهنگ چارچوبی از اعتقادها، ارزش‌ها و نمونه‌های رفتاری است که اکثر افراد جامعه در ایجاد آنها نقش ایفا کرده و طبق آن رفتار می‌کنند. (مبلغی، ۱۳۸۷، ص ۳) از آنجا که فرهنگ در جهت‌دهی تلاش‌های افراد، نقشی بسیار تأثیرگذاری دارد، بررسی چالش‌ها و موانع فرهنگی جامعه در برخورد با پدیده‌ای فرهنگی - اجتماعی ضرورت می‌یابد. بیداری اسلامی همواره فرایندی تأثیرگذار بر جوامع اسلامی بوده اما با توجه به چالش‌های فرهنگی موجود در اکثر جوامع اسلامی، توفیقات حداقلی کسب نکرده است. چالش‌های فرهنگی موجود در اکثر جوامع اسلامی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. چالش‌های فرهنگی دارای منشأ درونی

این قبیل چالش‌ها، ناشی از فرهنگ داخلی جوامع اسلامی‌اند و برنامه‌ریزی و تلاش برای رفع آن‌ها نه تنها به پیشرفت فرایند بیداری اسلامی و توسعه اخلاقی، اجتماعی این جوامع منجر خواهد شد. این چالش‌ها عبارتند از:

- قوم مداری

مفهوم قوم مداری در علم جامعه‌شناسی^۳ به عنوان واقعیتی اجتماعی است که بر اساس آن هر قومی خود را محور و اصل می‌داند و جز خود را به سادگی باور نمی‌کند. قوم مداری واقعیتی است که به جزم‌گرایی و مطلق‌انگاری دعوت می‌کند و این عارضه به نبود تفاهم و باور نداشتن یکدیگر کمک می‌کند. (پژوهنده، ص ۱۱۸) این بحث به گونه‌ای است که شاهدیم برخی عناصر خیزش و حرکت اسلامی به حرکت محلی یا منطقه‌ای گرایش دارند و به جنبه‌های عام و عمومی توجهی ندارند و بیشتر ویژگی‌های جغرافیایی و قومی معینی را در نظر می‌گیرند و خود را وقف همان محدوده می‌کنند و به حق‌کشی‌ها و تجاوزات علیه مسلمانان در جاهای دیگر توجهی نمی‌کنند و به "جهانه" "اقریون اولی بالمعروف" و "چراغی" که به خانه رواست، به مسجد حرام است" به مسائل فراتر از جغرافیای خود نگاهی گزرا می‌کنند و فراموش می‌کنند که پس از گستاخ از امت و تنها شدن، دشمن به خوبی از عهده آنها برخواهد آمد. (تسخیری، ۱۳۸۴، ص ۳۶۴)

- غرور و خودخواهی -

غرور و خودخواهی گذرگاه شیطان به درون انسان است که کارهای وی برایش آراسته و کار دیگران را در نگاه او ناچیز جلوه می‌دهد. در نتیجه، به نوعی خودپسندی می‌رسد تا جایی که دیگر هیچ نصیحتی را نمی‌پذیرد و با توجیه عملکرد خود از نقد و مواظبت بر نفس خود خودداری می‌کند. نخوت و غروری از خطرناک‌ترین بیماری‌های اخلاقی فراروی دعوت‌گران اسلامی است. تشکل اسلامی که از مواجهه با اشتباهات خود و اصلاح آنها سرباز می‌زند، با خطر رکود و انزوا از امت اسلامی و رضایت به وضع موجود دچار می‌شود. در نتیجه، از نوآوری و توسعه بازمانده و دچار سکون می‌شود و به دنبال آن، اعضا‌یش دیزش کرده و دشمنان بر آن چیره می‌شوند. (القططان، ۱۳۸۴، ص ۲۷۸)

- عدم آگاهی توده‌ای در رابطه با درک موقعیت -

از جمله آسیب‌های احتمالی که متوجه جهان اسلام و حرکت بیداری اسلامی می‌شود، عدم آگاهی توده‌ای در رابطه با درک موقعیت است. نداشتن آگاهی جمعی از موقعیت خود در جهان، به خودبینی و عدم تفاهم میان گروه‌ها، ملت‌ها و مذاهب می‌انجامد. منظور ما از تفاهم، یک‌رأی مطلق نیست؛ به گونه‌ای که همه همواره یک نظر، دیدگاه و برداشت از دین داشته باشند و به اصطلاح، همه هرچه دارند را به زمین نهند و در ملک فلان مرام درآیند که این مفهوم وحدت فلسفی است. منظور از تفاهم عاملی است که به اتحاد اقوام و گروه‌های اسلامی می‌انجامد و آن به معنای داشتن قوه درکی است که اعضا بتوانند اختلاف‌های موجود در دیگران را باور و تحمل کنند. (پژوهندۀ، ص ۱۱۷)

- ارتحالی و بی برنامه گی -

مقصود نداشتن برنامه‌ریزی و عدم بررسی مسائل و حوادث و موضع گیری‌ها و برخوردهای واکنشی و عاطفی و نه معتدل و برنامه‌ریزی شده با آنهاست. اقدامات ارتحالی و هیجانی در هدر دادن تلاش‌ها، نیروها و فرصت‌ها و نیز ضایع کردن عمر و مال و نابودی امت اسلامی تأثیری بهسزا دارند. این آفات ناشی از موضع گیری‌های خام و خودسرانه است. ارتحالی بودن آفتی بزرگ است که ریشه آن جهل، عقب‌ماندگی، عدم تعقل و حکمت و دوراندیشی در امور است. (ترکمانی، ۱۳۸۷، ص ۱۱) از آنجا که دگرگونی نیازمند برنامه‌ریزی فکری و مراحلی معین است، نباید بیش از اندازه خوش‌بین بود و این

مرحله‌بندی را نادیده، گرفت. البته باید به این نکته توجه کرد که این مرحله‌بندی باعث افول و مانع اقدام حرکت‌های بیداری نشود زیرا برخی حرکت‌ها به بهانه قرار گرفتن در مرحله فکری، فرصت اقدام عملی فراهم شده را از دست داده‌اند.

- ضعف روحیه اقدام

یکی از چالش‌های اساسی فرهنگی پیش روی حرکت‌های اسلامی در جهان اسلام، عدم تبدیل حرکت آنها به اقدام و عمل است. حضرت امام خمینی (ره) در بیانی به این مسئله اشاره می‌کنند: «مسلمین در این بعد از صدر اول مرد حرف بودند نه عمل. خیلی خوب شعر می‌گفتند. خیلی خوب خطابه می‌خوانندند. وقتی هم مطرح مشکلات می‌شد خیلی هم خوب طرح می‌کردند، اما از حدود گفتار خارج نمی‌شد و به عمل نمی‌رسید.» (بی‌نام، ۱۳۷۶، ص ۳۰) گروهی که برای تعمیق و تعمیم خیزش اسلامی و تداوم پویایی آن فعالیت می‌کنند، باید از این مسئله غفلت کنند و تقویت روحیه اقدام را سرلوحه کار فرهنگی خود قرار دهند.

- ضعف رسانه‌ای

جهان امروز شاهد انقلاب اطلاعات است که تأثیر و نتایج آن هر روز افزایش می‌یابد. فناوری اینترنت و گسترش رسانه‌های صوتی و تصویری، طوفانی از اطلاعات را در جهان بر پا کرده است. با نگاهی گذرا به سایتها و رسانه‌های جهان اسلام، این احساس ایجاد می‌شود که بسیاری از آنها آنچنان که باید موفق نبوده‌اند. این رسانه‌ها فرهنگ درگیری و کشمکش داخلی را نهادینه کرده و برخی به توهین و بدنام کردن علاقه دارند و دیدگاه‌های فردی خود را بر مسلمانان تحمیل می‌کنند و تلاش دارند مسلمانان را به این دیدگاه ملزم کنند؛ به این اعتبار که فقط این دیدگاه‌ها حقیقت بوده و به جز آن اشتباه، انحراف، بدعت و گمراهی است. (باجو، ۱۳۸۴، ص ۴۴۳) ذکر این نکته ضروری است که حجم عمدہ‌ای از بیدارگران اصیل و حرکت‌های اسلامی از پتانسیل رسانه‌ای غفلت کرده‌اند و نگاهی راهبردی به این موضوع ندارند.

- کاهش چشمگیر میانگین مطالعه و کتابخوانی

یکی از چالش‌های حرکت‌های بیداری اسلامی، ضعف بینش و درگ عمومی آحاد جامعه است. یکی از عوامل این ضعف، کاهش میانگین مطالعه و کتابخوانی در جوامع اسلامی است. در این رابطه نه تنها خانواده‌ها، بلکه مدارس و محیط اجتماعی نیز نقش دارند. دوری جستن از کتابخوانی، پدیده‌ای منفی است که فرایند توسعه فرهنگی را به تأخیر می‌اندازد. (محمدسلمان، ۱۳۸۴، ص ۳۵۱)

- ضعف نخبگان فرهنگی

امروز فرهنگ و تمدن جهانی، سریع‌تر از نخبگان جهان اسلام پیش می‌رود و جهتش را انتخاب می‌کند. یعنی نخبگان فرهنگی جهان اسلام از قافله توجه به اسلام و بیداری اسلامی که در حال پیشروی است عقب افتاده‌اند و روشنفکران مسلمان به جای پیشگام شدن در این سیر و هدایت، دنبال‌کننده این جریان‌اند. (هادوی، ۱۳۸۵، ص ۷۷) یکی از دلایل این جاماندگی، دوگانگی شخصیتی است که این نخبگان از آن رنج می‌برند. یعنی نظام باوری متشريع و دستگاه اندیشه‌ای غیردینی در یک شخصیت واحد جمع شده و هر اظهارنظر و تأثیر از این دوگانگی شخصیتی باعث سردرگمی عامه مخاطبان می‌شود. در دستگاه تحلیلی که نظام آموزشی رایج در ذهن نخبه مسلمان ایجاد کرده است، ورودی هرچه باشد، خروجی و محصولات تحلیلی از چند ویژگی برخوردار است: ۱. حرکت و اقدام، ۲. باید و نباید، ۳. امیدواری و ۴. وضوح، روشنی و شفافیت. نظام آموزشی کنونی به نخبگان جهان اسلام آموخته داده است که در بررسی هر مسئله باید به "هست و نیست" های موجود پرداخت و از تجویز "باید و نباید" ها خودداری کرد. آیا مخاطبان دهها رسانه خبری در جهان اسلام چیزی جز این از تحلیل‌گران خویش دیده‌اند. چه کسی باید برای آنها "باید‌ها" و "نباید‌ها" و جهت حرکت و اقدام را روشن کند. در طول تاریخ اسلام، همواره امت چوب دنیاطلبی خواص خویش را خورده است و این امت در دوران معاصر شاهد تجربه‌ای تلح نیز بوده است که نه فقط از دنیاطلبی که از بدفهمی نخبگان خود ضربه می‌خورد. (سلیمانی، ۱۳۸۵، ص ۸۷)

۲. چالش‌های فرهنگی دارای منشأ بیرونی

حرکت‌های بیداری اسلامی در جهان اسلام علاوه بر مواجهه با چالش‌های فرهنگی دارای منشأ درونی، با چالش‌های دیگری مواجه است که دارای منشأ بیرونی‌اند. از آنجا که بیداری اسلامی با رشد خود، منافع دنیای غرب با ماهیت مادی را به چالش کشیده است، غرب نیز در صدد است تا مانع فراگیر شدن این جریان در جهان اسلام شود. لذا نقش غرب در مانع‌تراشی فرهنگی در مواجهه با بیداری اسلامی نقشی ویژه است. غرب در سیر سنگ‌اندازی فرهنگی خود بیداری اسلامی را با چالش‌های زیر مواجه کرده است که عبارتند از:

- تضعیف فرهنگ اصیل اسلامی

قدرت‌های بزرگ از راه تسلط بر شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های جمعی می‌کوشند آداب و عادات خود را رواج داده و فرهنگ‌های دیگر ملل از جمله ملل اسلامی را تضعیف کنند. واضح است که وقتی روح اسلام و فرهنگ مسلمانی با رواج فرهنگ غربی از جامعه اسلامی رخت بربندد، هیچ‌گاه روحیه آرمان‌خواهی و تفکر بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی و بین مسلمانان بارور نخواهد شد. با تهاجم فرهنگی غرب هویت فرهنگی مسلمانان به خطر می‌افتد، زیرا رسوخ فرهنگ منحط غرب در کالبد فرهنگی جوامع مسلمان باعث کج‌فهمی و دور افتادن از حقیقت اسلام، ترک احکام اسلامی و تعطیل شدن حدود می‌شود. (عربی، ۱۳۸۷، ص ۵) و تعلیمات اسلامی و مذهبی و هویت اسلامی از کالبد فرهنگی جامعه رخت برمی‌بندد.

- تلقین روحیه خود کم بینی

دنیای غرب با ارائه تصویری از خود، سلطه فرهنگی‌اش را گسترش‌داده و جهان اسلام را به سرخوردگی و عقده خود کم‌بینی دچار می‌کند. بدین ترتیب، نوعی برداگی روانی که بیش از بردگی فیزیکی انسان‌ها را از انسانیت خالی و تهی می‌کند، بر جهان اسلام تحمیل می‌کند. (لاریجانی، ص ۴۰-۴۱) نتیجه حاصل از القای این تفکر ایجاد تفکر، سکولاریستی و لایک در نخبگان و اندیشمندان مسلمان در دانشگاه‌های غربی است که تلاش می‌کنند این مدل را برای جوامع اسلامی تجویز کنند.

- تفرقه افکنی -

غرب با بهره گیری از ابزارهای تبلیغی و عوامل نفوذی خود به عملیات روانی و تفرقه افکنانه بین مسلمانان دست می‌زند. از این‌رو، به فربه کردن مفاهیمی نظری ناسیونالیسم عربی، پان عربیسم و... می‌پردازند. آنها تلاش دارند مسلمانان دارای هویت اسلامی را تحت تأثیر قرار داده و هویتها و شناسه‌های محدودتر منطقه‌ای، قومی، فرقه‌ای و نژادی را به آنها القا کنند. این حریه باعث خواهد شد تا قدرت جهان اسلام کاهش یافته و جهان اسلام آسیب‌پذیر گردد و حرکت‌های بیداری اسلامی به جای مبارزه با غرب، درگیر مسائل داخلی شوند.

- انحراف در جریان بیداری اسلامی

یکی از توطئه‌های غرب، انحراف در جریان بیداری مسلمانان و گمراه کردن آن با مؤلفه‌های سیاسی - فرهنگی غرب است. آنان با همه قدرت رسانه‌ای خود تلاش می‌کنند جریان بیداری مسلمانان را با تقابل فسلفه سیاسی اسلام با دموکراسی و حقوق بشر و متراծ قرار دادن جهاد و شهادت با تروریسم و اختلاف افکنی بین شیعه و سنی جایگزین کنند؛ بینش ساختگی که به تعبیر امام راحل(ره)، اسلام آمریکایی است.

ب) چالش‌های مذهبی

از آنجا که مهم‌ترین دغدغه بیدارگران اسلامی، اجرا و تبلور احکام اصیل اسلامی در فرایند زندگی اجتماعی است، شناخت و درک صحیح از اسلام و معرفت نسبت به مبانی آن، از اصول بنیادین حرکت‌های بیداری اسلامی است. سؤال این است که با توجه به وجود فرق اسلامی مختلف، کدام یک از این تلقی‌ها از اسلام، همان اسلام اصیل و ناب است. تفاوت عقیدتی منشأ بسیاری از اختلاف‌ها و چالش‌های موجود در جهان اسلام است. چالش‌های مذهبی نه تنها سیر حرکت بیداری اسلامی را کند می‌کنند، بلکه باعث می‌شوند پتانسیل عظیم موجود به جای استفاده در جهت تعالی معنوی و مادی جهان اسلام، صرف خودزنی، تحلیل و نابودسازی بدنده‌های فعال دیگر امت اسلام شود.

از دلایلی که مانع انسجام‌بخشی به جریان باری اسلامی می‌شود، جهل و ناآگاهی مسلمانان از عقاید حقیقی و مستند پیروان دیگر مذهب و برخوردار نبودن از روحیه پذیرش حقیقت و تسلیم در برابر حقایقی است که با دانسته‌های غلط پیشین در تضاد است. (عربی، ۱۳۸۷، ص ۵) یکی از عوامل این نگرش، ملاک قرار دادن گفته‌های عوام برای قضاویت درباره آن مذهب است. بدیهی است، که در میان پیروان مذهب اسلامی، افرادی‌اند که اطلاعی از احکام و عقاید مذهب خود ندارند و به اقتضای این جهل و نادانی، رسوم‌ها و خرافاتی را نیز به مذهب خود متصف کرده و آنرا جزئی از دین و مذهب خود می‌دانند. (خوجملی، ۱۳۸۷، ص ۵)

ج) چالش‌های سیاسی

طی دو قرن اخیر، حرکت بیداری اسلامی تجلیات سیاسی و اجتماعی بارزی در محیط جوامع اسلامی داشته است. از آنجا که یکی از بسترها اصلی بروز بیداری اسلامی، تهاجم استعماری کشورهای غرب به ممالک اسلامی و ضعف و ناتوانی حکومت‌های مسلمان در مقابله با آن بوده است، مسلمانان در سیر بیداری خود به این جنبه توجه جدی داشته‌اند. از آنجا که حکام و پادشاهان محلی به دلیل ناتوانی در مقابله با استعمار، عامل بی‌اجر و مزد آنان می‌شوند، غالباً مبارزه با استعمار با مبارزه با استبداد داخلی خودنمایی همراه بوده است. از دیگر وجوده سیاسی حرکت بیداری اسلامی، احیای اندیشه حکومت دینی و وحدت اسلامی است که جزو آرمان‌های همه پیشگامان نهضت بیداری اسلامی بوده است. امروز این اندیشه‌ها با چالش‌هایی روبرو هستند. چالش‌های سیاسی فراروی نهضت بیداری اسلامی به دو بخش تقسیم می‌شوند:

۱. چالش‌های سیاسی دارای منشأ درونی

این چالش‌ها، متأثر از ساخت سیاسی کشورهای اسلامی و شیوه مدیریت سیاسی آنهاست که عبارتند از:

- تنوع در ساختهای سیاسی کشورهای مسلمان

ساختار سیاسی کشورهای اسلامی را نظام‌های دموکراسی، سلطنتی مشروطه، سلطنتی مطلقه، اقتدارگرا، نظامی و ... در بر می‌گیرد. این مسئله به همراه مردم‌هایی نظیر وجود حکومتها از

سکولاریسم مخصوص تا سنت‌گرایی و تحجر باشد. دلگونی فراوان کشورهای مسلمان شده است. (شوستری، ۱۳۸۳، ص ۷۷) اکثر کشورهای اسلامی یا تحت اراده یک فرد یا یک خانواده یا یک حزب اداره می‌شوند و در برخی کشورهای اسلامی ارتض قدرت برتر است. فقط در تعداد اندکی از کشورهای اسلامی، حکومت‌های مردم‌سالار حاکم‌اند که در آنها مردم مجال اظهار نظر واقعی دارند. در برخی کشورها مردمی که در هیأت حاکمه نیستند، امکان بیان دیدگاه‌ها و ارائه پیشنهادهای خود را دارند، اما این افراد منتخبین مردم نیستند و حتی نظر آن‌ها تأثیر چندانی در عملکرد حکومت‌ها ندارد. در کشورهایی که حاکمان نمایندگان برگزیده واقعی مردم هستند نیز نقش مجالس به قلمروهایی بسیار بسته است چون قدرت فائقه در دست یک شخص یا گروه دیگر قرار دارد و تنها در تعداد اندکی از کشورهای اسلامی مردم‌سالاری واقعی حاکم است. (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۴۳) ایوبی کشورهای خاورمیانه را به سه گروه تقسیم می‌کند: اولین نوع، دولت‌هایی‌اند که از "ساختار مرکزی قوی" برخوردارند و دولت موجودیت و قوام خود را طی مدت طولانی ثبت کرده است. مانند ترکیه، مصر و تونس. قدرت و اختیارات این حکومت‌ها در هسته مرکزی جمع شده است و سلسله مراتب نظارت از بالا به پائین به خوبی اعمال می‌گردد. این کشورها بنیان‌های قوی اجتماعی دارند و قدمت تاریخی آنها زیاد است و هر یک قانون اساسی خود را اصلاح کرده‌اند. در این کشورها، اسلام‌گرایان سیاست میانه‌روی را دنبال می‌کنند و دارای تفسیر لیبرالیستی از اسلام‌اند. دومین گروه، کشورهای "سرکوب‌گر" هستند که اختیارات دولت مرکزی در آنها بسیار محدود است. این دولت‌ها از روش‌های خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند و برای ادامه حیات خود در نظام‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به سیاست سرکوب متول می‌شوند. در این مورد می‌توان به الجزایر، سوریه و عراق زمان صدام حسین اشاره کرد. سومین گروه کشورهای "راتی" نامیده می‌شوند که برای حفظ موجودیت و حیات خود با استفاده از درآمدهای نفتی به بخش اعظمی از مردم باج می‌دهند. مثل عربستان سعودی، کویت و سایر شیخنشین‌های خلیج فارس. نمونه دوم و سوم زمینه را برای رشد تندروی مذهبی مهیا می‌کنند؛ به ویژه کشورهای سرکوب‌گر که گروه‌های تندروی اسلامی در آنها بسیار فعال‌اند. این تنوع ساخت سیاسی حکومت‌ها و نحوه برخورد آنها با حرکت‌های بیداری اسلامی موجب می‌شود، آنها برنامه‌های خود را با شرایط موجود هر حکومت تطبیق دهند و در نتیجه اهداف متفاوتی را دنبال کنند و در نتیجه

جریان بیداری اسلامی به یک حرکت واحد، هماهنگ و سنتیجمن تبدیل نمی‌شود و زمینه برای انحراف حرکت‌های بیداری از خط اصیل آن فراهم می‌کند.

- بی‌توجهی برخی دولتمردان به ارزش‌های اسلامی

یکی از چالش‌های سیاسی اصلی حرکت‌های بیداری اسلامی، حکامی‌اند که به نام اسلام بر مسلمین حکومت می‌کنند و صلاحیت این منصب را ندارند. (زارع تیموری، ۱۳۷۹، ص ۵۶۳) امروز دولت‌هایی بر جهان اسلام حکومت می‌کنند که واقعاً پاییندی به اسلام ندارند. (هادوی، ۱۳۸۵، ص ۷۷) این دولتمردان یا افکارشان در دانشگاه‌های غربی و تحت آموزش‌های هدفمند مراکز آموزشی دنیا ای غرب مسخ شده است و در وجود آنها دیگر سراغی از فکر اسلامی و دغدغه اسلام و مسلمانی نمی‌توان گرفت یا چاکران و دست بر سینگان و بردگانی به ظاهر آقا و سرورند که به مناسبی در رأس هرم قدرت در کشورهای اسلامی قرار گرفته‌اند. آنها شکم گروهی را سیر می‌کنند، دست گروهی را بسته نگه می‌دارند، عده‌ای را تحمیق می‌کنند تا بدین وسیله ندایی از حنجره‌ای برای آزادی و آزادگی برنخیزد. (عربی، ۱۳۸۷، ص ۷)

- شکاف میان توده‌ها و حاکمان

در بسیاری از کشورهای اسلامی شکاف عمیقی بین توده‌های مردم و طبقه حاکم وجود دارد. مردم به هیچ‌وجه از آزادی واقعی برخوردار نیستند. آنها نمی‌توانند افکار، عقاید و مشکلات خود را بیان کنند. ملت‌های اسلامی همچنین امکان بیان آرزوها و علائق خود درباره نحوه اداره کشورهای شان را ندارند. در سراسر جهان اسلام به ندرت جایگاهی مناسب بتوان یافت که در آن مردم مستقیماً و آزادانه بتوانند به تبادل آرا با مقامات هیأت‌های حاکمه خود بپردازنند، مشکلات خود را به بحث گذارند و مشترکاً در صدد یافتن راهکارها و راه حل‌ها برای آنها باشند. حتی اگر ملت‌های مسلمان جرأت ابراز عقیده به خود بدهند، یا جلوی حرکت و بیان آنها سد می‌شود یا مشت محکمی به دهانشان می‌خورد تا خفه شوند. (انصاری، ۱۳۸۴، ص ۴۲۹) امروز در برخی کشورهای جهان اسلام حتی امکان ابراز عقیده برای حرکت‌های بیداری اسلامی که به صورت مسالمت‌آمیز نیز فعالیت می‌کنند، وجود ندارد.

- گرایش به اصلاحات فرعی و بی توجهی به تغییرات بنیادی

چنانچه به مسائل فرعی نه در چارچوب کلی و به عنوان جزوی از یک کل نگریسته نشود، به شیوه‌های گمراه کننده تبدیل می‌گردد. امروز بسیاری از نهضت‌های بیداری اسلامی به جای توجه به مسائل بنیادین امت اسلامی، به اهداف فرعی معطوف شده‌اند و چه بسا دولتها نیز به تداوم این روند یاری می‌رسانند. در نتیجه، هنگامی که مسائل اصلی و محوری به فراموشی سپرده شود، امت پویایی و آینده خود را از دست می‌دهد. (تسخیری، ۱۳۸۴، ص ۳۶۲)

- منش اقتدار گرایی حاکمان

منش اقتدار گرایی حاکمان اسلامی باعث ایجاد بسیاری از اختلاف‌های سیاسی و سرزمنی شده است. این کشمکش‌ها که در واقع امر به داعی توسعه دامنه قدرت است، شاید در ظاهر به بهانه‌های دینی و مذهبی رخ دهد، کمترین اثر سوئی که در داخل امت اسلامی دارد، تضعیف و مستهلك شدن قدرت دو طرف و از میان رفتن شوکت و اقتدار کل امت خواهد بود. حاکمان با منش اقتدار گرایی خود علاوه بر اعمال روش‌های استبدادی در داخل به تیرگی روابط با سایر کشورها دامن می‌زنند تا هرگز زمینه‌ای برای تفاهم ملت‌ها با یکدیگر پدید نیاید و از انتقال فرهنگ بیداری اسلامی از کشوری به کشور دیگر جلوگیری کنند. در راستای چنین هدفی، حاکمان تلاش می‌کنند تا تمایزهای مذهبی شدت یابد و به منازعات خشونت‌بار منجر شود. این حاکمان برای ادامه سلطه بر ملت خود و توسعه آن به بیرون از مرزهای بین‌المللی با تمسک به چنین شیوه‌هایی از منافع عظیم‌تری که متوجه کلیت امت اسلامی است، غفلت می‌ورزند. (پژوهنده، ص ۱۲۷)

۲. چالش‌های سیاسی دارای منشاً بیرونی

اگر تحلیل‌ها، راه حل‌ها و اظهارات سردمداران غرب را در زمان سطوح مختلف پیگیری کنیم، متوجه می‌شویم که دغدغه و نگرانی عمدۀ غرب، ارائه اسلام به عنوان جایگزین تمدنی ویژه با جنبه‌های ارزشی ناهمسو با ارزش‌های غربی است که در عین حال دارای عنصر بقا و رشد مداوم و حفظ خود و منع دیگران از استثمار است که نتیجه آن، سقوط الگوی غربی و فروپاشی برتری تمدنی انسان مسیحی، اروپایی سفیدپوست است. (تسخیری، ۱۳۸۴، ص ۳۶۲) تمدن غرب تلاش دارد با

تأثیرگذاری بر این روند مانع سقوط تمدنی خود شود. استکبار جهانی برای غلبه بر جریان بیداری اسلامی در عرصه سیاسی، به گزینه‌های مختلفی متولّ شده است. این گزینه‌ها که برای دنیا و غرب یک راه حل محسوب می‌شوند، برای جریان بیداری اسلامی به منزله چالش و مانع به شمار می‌آیند که عبارتند از:

- تفرقه افکنی و اختلاف

سیاست تفرقه‌اندازی میان جبهه مخالف، شیوه شناخته شده بسیار قدیمی قدرت‌های رقیب برای تضعیف و فروپاشی قدرت دشمن است. لذا اثبات چنین سیاستی از سوی دشمنان اسلام به استناد نیاز ندارد. کافی است به کارنامه استعمار در فلسطین، مصر، الجزایر، عثمانی، عربستان، هند، ایران قدیم و... طی صد ساله اخیر نگاهی بیاندازیم و جدا شدن ملت‌های اسلامی را به بهانه‌ها و حیله‌های واهمی از پیکر امت واحده شاهد باشیم. آنچه به توضیح نیاز دارد، نوع عملیات تفرقه‌افکنانه و اشاره به اهداف درونی این دیپلماسی است. به طور کلی اهداف این سیاست را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. عقب‌ماندگی علمی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و ... امت اسلامی؛
۲. انتشار و تزریق رویه سکولاریسم به نهنج غربی‌اش در روحیه دینی اسلامی مردم در جهان اسلام؛

۳. تقسیم جهان اسلام به دولتها و گروه‌های گوناگون و تحریک دسته‌جات مذهبی با ویژگی‌های تفاوت‌های جغرافیایی، قومی و ملی. (پژوهنده، ص ۱۲۸)

مهنمترین آسیب این چالش برای حرکت‌های بیداری اسلامی درگیری نیروها با خود بجای مقابله با دشمن است. (محمدی عراقی، ۱۳۸۶، ص ۷۸) و از اهداف متعالی اصیل حرکت دور می‌کند.

- شبیه‌سازی حرکت‌های اصیل اسلامی

یکی از ترفنداتی غرب برای انحراف در جریان بیداری اسلامی، اجرای طرحی جدید بود. برای تحقق این امر حرکتی جدید و فراگیر در سطح بین‌الملل علیه نهضت اصیل بیداری اسلامی آغاز شد. اولین گام، اقناع افکار عمومی جهان بود. برای تحقق این امر، نوعی شبیه‌سازی انجام گرفت و طی آن اسلام انقلابی در قالبی متعارض با عقل و منطق و در کریه‌ترین شکل برای انججار افکار عمومی

به نمایش بین‌المللی از پیش طراحی شده در آمد. القاعده نموف تبیه‌سازی شده "بسیج جهانی اسلام" حضرت امام خمینی (ره) بود. القاعده ساخته شد تا با نام و پوشش اسلام انقلابی به ترد با نظام لیبرال دموکرات کشانده شود و در جنگی زرگری که رسماً با وقایع یازدهم سپتامبر میان القاعده و غرب آغاز شد، اسلام و نهضت اصیل اسلامی و فرزندان امت در جهان به نام تروریسم و تروریست قربانی شوند و استراتژیک‌ترین نقاط دنیای اسلام به اشغال جبهه کفر درآید. (سلیمانی، ۱۳۸۵، ص ۸۶)

- کم رنگ سازی مسئله فلسطین و قدس شریف

مسئله فلسطین و اهمیت آن برای جهان اسلام باعث تولد بسیاری از نهضت‌های بیداری اسلامی شد. مسئله غصب و اشغال سرزمین‌های اسلامی و اولین قبله مسلمین پدیده‌ای پذیرش ناپذیر برای نهضت‌های بیداری اسلامی بود صهیونیست‌ها از هیچ‌گونه ظلم و جنایتی علیه مردم مسلمان فلسطین ابا نکردند. در نتیجه، مقابله با اشغال‌گری و آزادی سرزمین‌های اسلامی به آرمانی برای نهضت‌های بیداری اسلامی تبدیل شد. امروز شاهدیم که منافع برخی کشورهای اسلامی باعث شده است تا مسئله فلسطین از اولویت سیاست خارجی آنها نباشد (شوشتاری، ص ۷۷). امروز متأسفانه شاهد تناقض در گفتار و عمل بسیاری از کشورهای اسلامی در قضیه فلسطین هستیم. بسیاری از کشورهای اسلامی که منافع خود را در ایجاد ارتباط با اسرائیل می‌بینند، در پی ایجاد رابطه با رژیم صهیونیستی هستند و با وجود بیانیه‌های تند علیه اسرائیل، به صورت نیمه‌پنهان و نیمه‌اشکارا از روابط خود با این رژیم سود می‌برند و بدین صورت. این مسئله مهم سیاسی و فرهنگی دنیای اسلام فدای منافع شخصی برخی حکام اسلامی می‌شود. (شوشتاری، ۱۳۸۳، ص ۹۶) این مسئله باعث شده است تا بسیاری از حرکت‌های حمایتی از مسئله فلسطین توسط نهضت‌های بیداری اسلامی به حرکت‌های خشونت‌طلب و تروریستی و مخالف صلح و امنیت خاورمیانه تعبیر شوند و در برخی مواقع، حرکت‌های حمایتی اسلامی به عنوان حرکت‌هایی توسعه‌طلبانه و در راستای منافع کشوری خاص تعبیر شوند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

حرکت بیداری اسلامی در مسیر دست‌یابی به اهداف خود با چالش‌ها و مواعنی متعدد روبرو است که برخی از آن‌ها ناشی از نقاط ضعف موجود در جامعه اسلامی، برخی ناشی از ضعف‌های ماهیتی و ساختاری نهضت‌های بیداری اسلامی و برخی متأثر از عوامل خارجی‌اند. نتیجه حاصل از بررسی چالش‌ها این است که یک‌سری چالش‌های سیاسی مذهبی مشترک فراروی جریان‌های بیداری اسلامی در بین تمام کشورهای خاورمیانه وجود دارد. مسائلی از جمله ترویج قومداری، غرور و خودخواهی، نداشتن آگاهی توده‌ای در رابطه با درک موقعیت، ارتحالی و بی‌برنامه بودن، ضعف روحیه اقدام، ضعف رسانه‌ای، کاهش میانگین مطالعه و ضعف نخبگان فرهنگی، فرقه‌گرایی، تاکید بر اجرای شریعت در بخشی از زندگی و دوری از اخلاق اسلامی و نا‌آگاهی از عقاید دیگر مذاهب از جمله چالش‌های فرهنگی - مذهبی مشترک در این کشورهاست. اما تنوع در ساختهای سیاسی، بی‌توجهی دولتمردان به ارزش‌های اسلامی، شکاف میان توده‌ها و حاکمان، نقش اقتدارگرایی حاکمان، هم‌چنین تفرقه‌افکنی و کم‌رنگ‌سازی مسائل سیاسی مورد اهتمام مسلمین توسط دشمنان، از چالش‌های عمدۀ سیاسی مشترک فراروی جریان‌های بیداری اسلامی در خاورمیانه است که البته در این بین استثنایی نیز وجود دارد.

اگر جامعه را به سه بخش حاکمان، نخبگان و توده مردم تقسیم کنیم، برای انجام هر تغییر یا مقابله با هر چالشی، هر یک از این بخش‌ها وظایفی را برعهده می‌گیرند. از آنجا که حاکمان برخی کشورهای خاورمیانه و سیستم حکومتی حاکم بر آن کشورها، مانع در برابر حرکت‌های بیداری اسلامی‌اند؛ در بحث زمینه‌سازی برای راهکارهای عملی، بایدهای انجامی را در دو بخش نخبگان و توده مردم بررسی می‌شود:

نخبگان «مجموعه افرادی‌اند که به دلایل مختلف و ملاحظه امکانات تأثیرگذار بر روندها از تخصص علمی، جایگاه، منزلت و پایگاه فرهنگی، دینی و سیاسی و مقبولیت اجتماعی در جریان روابط گوناگون در کشور، از ایده‌پردازی تا برنامه‌ریزی و اجرا، تأثیر قابل ملاحظه و حضوری معنادار دارند». این افراد، بر روند بیداری اسلامی مؤثر بوده‌اند و جریان‌های بیداری از سوی این افراد آغاز و به جامعه منتقل شده است. از آنجا که جامعه همواره دنباله‌رو نخبگان است و از آنها تأثیر می‌پذیرد،

اگر چالش و انحرافی در جریان بیداری اسلامی وجود دارد، معلول آن است که این چالش یا در اثر انحراف نخبگان و تأثیرگذاران فرهنگی سیاسی این جریان به وجود آمده یا معلول کمکاری و کم‌همتی آنهاست. بنابراین، واضح است که برای فائق‌آمدن بر چالش‌ها، نقش نخبگان حیاتی است و رسیدن به راهکارهای عملی امکان‌پذیر نیست مگر اینکه برخی تحولات در اندیشه‌ها و وظایف نخبگان کشورهای اسلامی بوجود آید تا بدین‌وسیله زمینه برای راه حل چالش‌ها فراهم شود. بدین منظور، انجام وظایف زیر برای نخبگان کشورهای اسلامی پیشنهاد می‌شود. البته هر کدام در جای خود نیاز به بحث دارد که در این مقاله موضوع بحث نیست.

الف) **وظایف نخبگان فرهنگی مذهبی:** بالا بردن درک عمومی و ارتقای سطح شناخت مردم، تحول در فقه اسلامی، کنترل و مدیریت تعصبات، مناظرات علمی و تبادل آراء و آسیب‌شناسی درونی مستمر بیداری اسلامی؛

ب) **وظایف نخبگان سیاسی:** فراهم کردن زمینه انقلاب نرم‌افزاری در اندیشه سیاسی مسلمین، تقویت قدرت ملی به توده مردم، ترمیم شکاف میان توده و حاکمان، رصد فعالیت‌های تفرقه‌افکنانه دشمنان، تأکید بر اهدافی که عامل تقویت حرکت بیداری اسلامی‌اند و بازکاوی تجربه تأسیس نظام اسلامی در ایران؛

ج) **وظایف توده مردم:** حضور مؤثر در عرصه‌های اجتماعی و بسط فرهنگ مبارزه فraigیر.

منابع

۱. ارشاد، محمدرضا، موج چهارم بیداری، گفت و گو با موسی نجفی، روزنامه همشهری، ۸۶/۸/۳۰.
۲. الوری، محسن، "بیداری اسلامی از باورها تا نهادها". مجموعه مقالات هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب، ۱۳۸۴.
۳. انصاری، محمدعبدالحق، "وحدت اسلامی مشکلات و راه حل‌های آن"، از کتاب بیداری اسلامی چشم انداز آینده و هدایت آن، ج ۲، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴.
۴. باجو، مصطفی، "ابزارهای هدایت بیداری اسلامی برای تحقق وحدت اسلامی"، از کتاب بیداری اسلامی، چشم انداز آینده و هدایت آن، ج ۱، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴.
۵. بی‌نام، اسلام ناب در کلام و پیام امام خمینی(ره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره). ج سوم، ۱۳۷۶.
۶. ترکمانی، حسین‌علی، "راهکارهای تحریکیم، تعمیق و هدایت انسجام و بیداری اسلامی"، مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷.
۷. تسخیری، محمدعلی، "بررسی برخی از رفتارهای منفی حرکت‌های اسلامی"، از کتاب بیداری اسلامی، چشم انداز آینده و هدایت آن، ج ۱، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴.
۸. پژوهنده، محمدحسین، "آسیب‌شناسی وحدت اسلامی"، اندیشه حوزه، سال سیزدهم، شماره ۶۷-۶۸.
۹. ثقی، سیدمحمد، "احیای هویت اسلامی در انقلاب امام خمینی"، از کتاب بازسازی تفکر اسلامی در اندیشه امام خمینی(ره)، نشر عروج، ۱۳۸۰.

۱۰. خوجملی، خالد، "بررسی اجمالی موانع تقریب مذاهب و راهکارهای نیل به آن"، مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۱. زارع تیموری، محمد، "مبازه با تهاجم فرهنگی و مشکلات اجتماعی فرارسیده از دنیای غرب"، از کتاب جهان اسلام مشکلات و راهکارها، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۹.
۱۲. سلیمانی، محمدهدادی، "امت اسلامی و نخبگانش"، نشریه سوره دوره جدید، شماره ۳۷، ۱۳۸۵.
۱۳. شوستری، سیدمحمدجواد، کاسیت‌ها و بایست‌های فرهنگی جهان اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.
۱۴. عربی، نسیم، "راهکارها و چالش‌های تقریب مذاهب اسلامی"، مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۵. قضاوی، یوسف، اخوان المسلمين هفتاد سال دعوت تربیت و جهاد، ترجمه عبدالعزیز سلیمانی، تهران: نشر احسان، ۱۳۸۱.
۱۶. القحطان، عدنان بن عبدالله، بیداری اسلامی و نیازهای فکری معاصر آن، کتاب بیداری اسلامی و چشم‌انداز آینده و هدایت آن، ج ۱، ۱۳۸۴، مجمع جهانی تقریب مذاهب.
۱۷. قطب، محمد، بیداری اسلامی، ترجمه صباح زنگنه، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴.
۱۸. لاریجانی، علی، جهان اسلام جالش‌ها و فرصت‌ها، دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، نشریه سوره دوره جدید، شماره ۲۷.
۱۹. مبلغی، احمد، "فرهنگ تقریبی و تقریب فرهنگی"، مجموعه مقالات بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷.
۲۰. محمد سلمان، سیدهاشم "توسعه فرهنگی در جوامع اسلامی"، از کتاب بیداری اسلامی چشم‌انداز آینده و هدایت آن، ج ۲، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴.
۲۱. محمدی، منوچهر، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۵.

۲۲. محمدی عراقی، محمود، "از برکات انقلاب اسلامی بیداری و رشد آگاهی در جهان اسلام است"، نشریه منادیان وحدت ویژه نامه سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی، ۱۳۸۶.
۲۳. موثقی، سیداحمد، علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۲۴. نواب، محمد، "امت در حرکت"، نشریه سوره دوره چدید، شماره ۱۳۸۵.
۲۵. نوری، محمد، "مأخذشناسی گزیده احیای اسلام"، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی و ایجاد تفکر دینی، ۱۳۷۶.
۲۶. هادوی، "نبض تفکر و فرهنگ را به دست می‌گیرم"، نشریه سوره دوره چدید، شماره ۱۳۸۵، ۲۷.